نگاه سبز

طرح خروج دام از جنگل

فرصتی برای تنفس درختان شمال

■ **مهر:** بـا اجرای طـرح خـروج دام از جنگل‌های گلستان می‌توان انتظار داشت که جنگل‌های استان از وجود دام پاکسازی شده و نفس تازه‌ای بکشند. طبق آمار از سـال ۸۶ تاکنون بیش از ۱۲۰ هزار واحد دامی از عرصه‌های جنگلی گلستان خارج شدند. همچنین در سـفرهای دولت نیز برای اجرای طرح ساماندهی و خروج دام بیش از ۵۰ میلیارد ریال اعتبار منظور شد که این امر نشانه عزم دولت برای آزادسازی عرصه‌های جنگلی از وجود دام اسـت. سالانه هر واحد دامداری ۱/۳ برابر درآمد خود به جنگل‌های گلستان خسارت وارد می‌کند و نابودی منابع جنگلی درحالی است که از ابتـدای اجرای طرح خروج دام بیـش از ۵۸۷ هزار واحد دامی در این عرصه‌ها وجود داشت. قبل از اجرای طرح سـاماندهی و خروج دام از جنگل ابتدا عملیات صحرایی و مطالعات در کل جنگل‌های کشور در سال ۶۵- ۶۴ تحت عنوان مطالعـات اجتماعی، اقتصادی جنگل‌های شمال کشـور در قالب مشخصات فردی خانوارها، وضعیت معیشـت خانوارها، امکانات موجود روسـتایی و... صورت گرفت. به تاکید کارشناسـان، در این مطالعات انجام‌گرفته در حوزه گلستان، تعداد ۲۷۸ پارچه آبادی در داخل جنگل و حاشـیه جنگل به صورت ییلاق و قشـلاق قرار داشت که از این تعداد ۲۱۳ پارچه آبادی داخل جنگل واقع و تعداد سه هزار و ۴۰۰ دامدار و حشم‌دار به صورت موقت و دایم استفاده می‌کردنـد. مدیرکل منابع طبیعی گلسـتان در این خصوص گفت: در جنگل‌های گلستان که ۴۵۱ هزار هکتار اسـت ۵۸۷ هزار واحد دامی وجود داشـت و از سـال ۸۶ تا امروز توانسـتیم بیش از ۱۲۰ هزار واحد دامـی را خارج کنیم. حمید سـلامتی با بیان اینکه در طـول برنامه پنجم باید مابقـی دام را خارج کنیم، اظهار داشت: از سـال ۸۶ تاکنون ۵۹۴ خانوار در ۲۴ روستای ۲۰ خانوار ساماندهی شدند و دامداران و روستا را از جنگل خارج کردیم و مجتمع‌های دامداری مثل نوده، رامیان و ینقاق ایجاد کردیم. وی عنوان کرد: در مجموع با خروج جنگل‌نشینان و دام‌هایشان، بیش از ۲۸۰ هزار هکتار جنگل‌ها از وجود دام خارج شـدند. سـلامتی بیان داشـت: همچنین بیش از سه هزار و ۵۰۰ هکتـار از عرصه‌های جنگلی محاق در جنگل را که مستثنائات اشخاص بودند خریداری و جنگل‌کاری کردیم. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان بیـان داشـت: در مجموع ۱۰ میلیـارد تومان هزینه برای سـاماندهی و خروج دام انجام دادیم و دولت نیز اعتبارات خوبی گذاشـت و امیدواریم در برنامه پنجم بقیه کار را انجام دهیم. سلامتی به فواید طرح خروج دام از جنگل اشاره و اضافه کرد: اجرای طرح کمک به تسریع در آزادسازی و تجدید حیات عرصه‌های جنگلی خواهد کـرد. وی فراهم کردن زمینه‌های بازسـازی مناطق کم‌پوشـش و کمک به تغییر الگوی اقتصادی و معیشتی دامداران را از دیگر فواید برشمرد. مدیرکل منابع طبیعی گلستان گفت: تغییر دامداری سنتی به صنعتی و بهبود وضعیت اقتصـادی دامداران از دیگر مزایای اجرای این طرح است. اجرای طرح ساماندهی خـروج دام از جنـگل، تجمیع خانوارهـای پراکنده جنگل‌نشـین، جابه‌جایی روستای کم‌جمعیت داخل جنگل، خرید اراضی رهاشده با مشکلاتی از قبیل تامین شغل و معیشت آتی، تامین سکونت، وابستگی شدید جنگل‌نشینان به جنگل و عدم همسویی دستگاه‌های اجرایـی و... همـراه اسـت. گلسـتان یـک میلیون و ۱۲۶ هزار هکتار مرتع و ۴۵۱ هزار هکتار جنگل دارد.

خشکسالی تمام مناطق ابرکوه را دربر گرفت

■ **مهر:** با وجود اینکه بارش‌های پاییزی در یزد امسال نسبت به سال‌های گذشته در شرایط نسبتا بهتری قرار داشت اما برخی نقاط استان نظیر ابرکوه با این معضل همچنان دسـت و پنجه نرم می‌کنند. خشکسالی که زمانی بیشتر شرق منطقه ابرکوه را دچار مشکل کرده بود، اکنون به مناطق غربی این شهرستان نیز کشیده شده است و بعید می‌رسـد این حجم بارش‌ها امسال بتواند پاسـخگوی تشـنگی‌های چندین‌سـاله مزارع و قنـوات ایـن منطقه باشـد. شهرسـتان ابرکوه نیز همچون سایر شهرستان‌های استان یزد به ویژه مرکز اسـتان به دلیل مواجه شدن با چند سال خشکسالی مداوم و مسـتمر، هنوز با تبعات آن دست و پنجه نرم می‌کند و مردم و کشـاورزان آن دست به آسمان دارند تا شاید امسال بارش‌ها بتواند تنها بخش کوچکی از این بی‌بارانی‌ها و کم‌آبی‌ها را جبران کند. خشکسـالی در شرق ابرکوه چندین سـال است که زندگی مردم را با بحران روبه‌رو کرده اسـت. اما آنچه برای مردم ابرکوه هرگز باورنکردنی نبود، کمبود آب و خشکسالی در غرب ابرکوه و دهسـتان فراغه بود. دهستان فراغه همیشه برای مردم شهرسـتان به عنوان یـک منطقه پرآب و سرسـبز مطرح بوده است؛ مطلبی که این روزها دیگر در حال تبدیل شدن به یک رویاست. اکنون عمده‌ترین معضل ۷۵۰ دهسـتان این منطقه کـه معروف‌ترین زردآلوی کشـور را تولید می‌کنند، مشکل خشکسالی اسـت و وجود باغات وسـیع زردآلو و انار که به واسطه کمبود آب رو به خشـکی رفته‌انـد، نگرانی را در مردم روسـتاهای غرب ابرکوه تشدید کرده است. به واسطه خشکسالی‌های چند سـال اخیر، سطح آب چاه‌های کشاورزی در این دهستان به شدت پایین آمده ضمن اینکه تعدادی از قنوات دهستان فراغه نیز خشک شده است. شغل مردم دهستان فراغه کشاورزی و دامداری است و خشکسالی تهدیدی جدی برای شغل این مردم به شمار می‌رود و دور از انتظار نیست که به زودی شاهد مهاجرت مردم از این مناطق باشیم.

تجمع اعتراضی بازنشسته‌ها مقابل صندوق بازنشستگی

این بار بازنشستگان برای دریافت حقوق خود از مسوولان پاسخ می‌خواهند

تلاش برای رسیدن به حق

سمیه آخشی/ اصفهان

– مـن با بیماری قلبـی و یک دختر دانشـجو از کجا باید خرج خانـواده‌ام را بدهم؟

– هر روز به جای استراحت کردن بعـد از عمری کارگـری باید بیاییم به فلان مسـوول و نماینده بگوییم که مسـتمری ۳۰ سال تلاش‌مان را بدهند.

اینهـا درددل‌هـای ایـن روزهـای بازنشستگانی است که تا همین سال‌ها در بزرگ‌ترین کارخانه فولاد کشـور و حتی خاورمیانه با دستان خود چرخه تولید این کشور را به جریان می‌انداختند. اما حالا که باید با خیال راحت دوران بازنشستگی‌شان را پشت سر بگذارند دغدغه‌ای تازه هرروز خاطرشان را آزار می‌دهد.

دریافت حقوق و مستمری

سه‌شنبه بازنشستگان ذوب‌آهن مقابل مجلس تجمع کردند تا شـاید مسوولان سـرانجام پس از یک سـال صدایشان را بشنوند و حق این افراد را ادا کنند.

در خیابان نقاشی جایی که صندوق بازنشسـتگان فولاد قـرار گرفتـه افراد سـالخورده‌ای جمع شده‌اند که عمری را در کارخانه ذوب‌آهـن اصفهان کارگری کردنـد و حالا که روی مستمری‌شـان حساب باز کرده‌اند از ابتدای امسال همه این معاملات به هم خورد. ماجرا از اینجا آغاز شـد که این افراد از ابتدای امسـال مستمری خود را به جای آنکه مانند همه مسـتمری‌بگیران یک‌جا دریافت کنند در چند قسط دریافت می‌کردنـد. تا اینکه در این مـاه با کمال تعجب دیدند که تنها ۷۵هزار تومان به حساب‌شان واریز شده و صندوق بازنشستگی فولاد (جایی که مستمری این افراد را می‌داد) اعلام کرد که دیگر پولی ندارد. در میان این بازنشسته‌ها یکی با عصا و دیگری با پایی که به زحمت رمقی برای راه رفتن دارد بیش از دو هفته است که مقابل مراکزی که باید پاسخگو باشند دست به اعتراض می‌زنند تا شاید گره از کارشـان باز شود؛ از ذوب‌آهن گرفته تا صندوق بازنشستگی فولاد و مجلس و دفتر ریاست‌جمهوری.

این ماه دریافتی‌مان ۷۵هزار تومان بود

حاج‌کمالی که «حالا دیگر دختـر دم بخت و عروس دارد، می‌گویـد: این ماه ۷۵هـزار تومان به حسـاب‌مان ریخته‌اند و باور کنید خجالت می‌کشـیم به خانواده‌هایمان بگوییم این ماه مستمری‌مان چقدر بوده است! همیشه می‌گویند حل می‌شود، اما هنوز مشکل پابرجاسـت و هیچ‌کس برای رفع آن دلسوزی نمی‌کنـد. وی ادامه می‌دهد: (حالا که خرج دانشـجو و ازدواج بچه‌هایمان را داریم تازه باید با این تورم ۷۵هزار تومان جلو زن و بچه ببریم. شما بگویید با چه رویی؟ درد یکی، دو تا هم نیست چراکـه بالاخره زندگی و خرج خانواده که متوقف نمی‌شـود تا حقوق ما به حساب‌مان ریخته شود، ما که عمری خرج می‌دادیم حالا باید از این و آن قرض بگیریم.»

آقـای عسـگری در تکمیل صحبت‌های همکار سـابقش گلایه‌مند اسـت که حالا یک سال است این وضعیت ادامه دارد و ما نمی‌دانیم با این مسـتمری که به صورت قسطی پرداخت می‌شود چه کنیم؟! مگر ما فرق‌مان با سایر بازنشسته‌ها چیست؟ از روز اول هم مانند سـایر کارکنـان دولت حق بیمه پرداخت کردیم، پس حالا حق کسـوراتی که در آن سـال‌ها دادیم کجا رفت؟ این انصاف اسـت که ما فدای ایـن طرح‌های بی‌آینده و کسری صندوق بازنشسـتگی که خودمان سرمایه‌اش را تامین کرده‌ایم، بشویم؟ وقتی سوال می‌پرسیم آیا مانند همه کارکنان دیگر دولتی حق بیمه پرداخت می‌کردید؟ می‌گوید: ۳۰ سال هر ماه تقریبا چهار درصد از حقوق‌مان برای حق بیمه کسر می‌شد، درست مانند همه ادارات دیگر. در میان جمعیت پیرمردی که با صندلی‌اش نشسـته در بین دیگران متمایزتر است. در پاسخ به سوال‌مان که چرا با مشقت به اینجا آمده، می‌گوید: ناچارم با این پادرد و بیماری قلبی‌ام بیایم و بدانم که تکلیف‌مان چیست؟ بیماری قند هم دارم و روزانه باید چندین بار انسولین تزریق کنم ولی فعلا درآمدی هم ندارم. یکی دیگر از بازنشسته‌های معترض می‌گوید: وقتی مسـوولان صندوق خودشان اعلام کرده‌اند که دیگر موجودی نمانـده از کجا می‌خواهند حق ما را بدهند؟ به ذوب‌آهن مراجعه کردیم، می‌گویند شما دیگر زیر نظر صندوق بازنشستگی فولاد هسـتید به اینجا هم که اعتراض می‌کنیم، می‌گویند بروید از مجلس و ریاسـت‌جمهوری کمک بخواهید. پس شما بگویید به کجا مراجعه کنیم؟ نکته جالب اینجاست که کارمندان صندوق با وجود اعتراض بازنشسته‌ها و تجمع آنها در مقابل ساختمان‌شـان بی‌توجه به اوضاع در حال کار کردن هسـتند، غافل از اینکه خودشان نیز ممکن است در سال‌های آینده به همین وضع دچار شوند.

بازنشسـتگان ذوب‌آهـن عضـو صندوق بازنشسـتگی کشوری نیستند

به گفتـه موسـوی عضو کمیسـیون اجتماعـی مجلس، بازنشستگان ذوب‌آهن عضو صندوق بازنشستگان کشوری نیستند و همین علت کافی است تا به آنها رسیدگی نشود چراکه این افراد جزو صندوق بازنشستگی شرکت‌های فولادی هستند و اعتبارات این صندوق رابطه مستقیمی با درآمدهای آن دارد به صورتی که در ایامی که شرکت فروش مناسبی دارد، در صندوق اعتبار اسـت و با رکود بازار، صندوق با مشکل روبه‌رو می‌شود.

وظیفه صندوق بازنشسـتگی فولاد چیست؟

صندوق بازنشستگی فولاد در سال ۷۶ به ثبت رسـید و هم‌اکنـون دارای ۹ دفتر در استان اصفهان و ۲۰ دفتر در شهرسـتان‌های دیگر در سراسر کشور است. بازنشستگان تحت پوشش نیز متعلق به معادن، ذوب‌آهن اصفهان، فولاد مبارکه و فولاد اهواز هستند. بنا به گفته مسوولان این صندوق یکی از صندوق‌های خاص به شمار می‌رود که زیر نظر تامین اجتماعی نیست ولی از زیرمجموعه‌های خدمات‌درمانی به شمار می‌رود. طبق اساسنامه صندوق، شرکت ملی فولاد با هدف حمایت از کارکنان فولاد در سراسـر کشور آن را ایجاد کرد. تا پیش از ایجاد آن نیز بازنشستگان فولادی زیرمجموعه معاونت اداری شرکت ملی فولاد بودند که عملکرد قابل توجهی نداشت. به گفته مسـوولان در سـال ۱۳۷۶ موجـودی‌ای که دولت به حساب آن واریز کرده بود، حدود ۳۳۰میلیون تومان بود که این مبلغ صرف پرداخت یک ماه حقوق بازنشستگان شد. قرار بر این بود که با ایجاد فعالیت‌های اقتصادی در صندوق و اعتباراتی که از سوی سه شرکت فولاد مبارکه، ذوب‌آهن و فولاد اهواز به آن داده می‌شود هر ماه به بازنشستگان مستمری پرداخت شود ولی حالا مشکل اینجاست که با خصوصی شدن این شرکت‌ها آنان از دادن سهم خود به صندوق سر باز زده‌اند. این در حالی است که کسری فراوانی هم در آن به وجود آمده و مدیرعامل آن در نامه‌ای به وزیر اقتصاد اعلام کرده که دیگر بودجه‌ای برای پرداخت مستمری این افراد ندارد و باید ردیف بودجه‌ای برای آن در نظر گرفته شود. باز هم بنا به گفته یکی از نمایندگان مجلس براساس مصوبه هیات دولت شرکت‌های فولادی باید ماهانه مبلغی را به‌عنوان کمک به این صندوق پرداخت می‌کردند و این اقدام از سـوی شرکت‌ها تا ماه‌های گذشـته نیز ادامه داشت اما اکنون با خصوصی شدن این شرکت‌ها در راستای اصل ۴۴ قانون اساسی این پرداخت‌ها متوقف شده است. شرکت فولاد مبارکه حدود ۱۶میلیارد تومان و ذوب‌آهن اصفهان نیز ۱۱میلیارد تومان را به حسـاب آن باید پرداخت می‌کردند.

دلیل کسری بودجه صندوق

نکته

نماینده مبارکه در مجلس شورای اسلامی: هم‌اکنون صندوق بازنشستگی فولاد کشور با کسری هفت هزار میلیارد تومانی مواجه است. البته برخی دیگر این کسری را ۶۰۰میلیارد تومان هم اعلام کرده‌اند

موسـوی نماینده مردم مبارکه در مجلس شـورای اسـلامی معتقد است در سـال اخیر به دلیل اجـرای قانونی کـه براسـاس آن کارکنـان ذوب‌آهن می‌توانسـتند بـا ۱۹ سـال خدمـت بازنشسته شـوند و همچنین با افزوده شـدن حـدود ۴۳هـزار نفر بـه تعداد اعضای صندوق بازنشستگی فولاد کشور مشکلات صندوق آغاز و با کسری منابع مالی روبه‌رو شد. موسوی می‌گوید: هم‌اکنون صندوق بازنشستگی فولاد کشور با کسری هفت هزار میلیارد تومانی مواجه است. البته برخی دیگر این کسری را ۶۰۰میلیارد تومان هم اعلام کرده‌اند. البته، مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب‌آهن اصفهان دلیل این کسری را عدم پرداخت کسـورات کارکنان به صندوق فولاد از سوی مدیران سـابق در دولت‌های پیشین می‌داند و می‌گوید: با همکاری‌هایی که انجام شـد، این موضوع ریشه‌یابی و تمامی جریانات در این مورد در اختیار رییس‌جمهور و رحیمی معاون اول وی در آن زمـان قـرار گرفت. وی می‌افزایـد: در زمانی که محرابیان به‌عنوان وزیر صنایع و معادن در دولت حضور داشت، کمک‌های بسیاری برای رفع این مشکل کـرد، اما اکنـون که فـولاد مبارکه و خوزسـتان به بخش‌خصوصـی واگذار شده است سهامداران این دو شرکت به این دلیل که به بخش‌خصوصی واگذار شده‌اند حاضر به کمک به این صندوق نیستند

دود بریـز و بیاش‌هـا در چشـم بازنشستگان رفت

رییـس یکی از دفاتـر این صندوق در اصفهان بـه خبرنگار ما می‌گوید: به نظر من در اثر ریخت‌وپاش‌های فراوان و سوءمدیریت، صندوق حالا به این روز افتاده است.

این مسـوول که نخواست نامش فاش شـود یک سـوال مهم هم دارد مبنی بر اینکه چرا زودتر از این مدیران صندوق به فکر نوشـتن نامـه‌ای به مسـوولان دولت نبوده‌اند و گذاشتند تا صندوق خالی شـود و بازنشسته‌ها تجمع کنند، بعد تازه نامه بدهند که دیگر اعتبار نداریم؟ وی از اسـتقرار سازمان بازرسی طی دو ماه گذشته در صندوق برای رسـیدگی به امور مالی آن هم خبر می‌دهد و می‌گوید: تاکنون گزارشـی از سـوی سازمان بازرسـی منتشر نشده ولی همه این مشـکلات بـه علت نبـود مدیریت صحیح در صندوق بوده و مسوولان باید پاسـخگو باشـند که اعتبارات صندوق صرف چه کاری شده است؟

بازنشستگان اعتراض‌شان را به مجلس بردند

در پـی اعتراض بازنشسـتگان ذوب‌آهن به مسـوولان این شـرکت ذوب‌آهن اصفهان آب پاکی را روی دست بازنشسته‌ها ریخـت و گفت که ما حقوق کارمنـدان فعلی خود را می‌دهیم ولی با وجود خصوصی شدن این شرکت و اینکه این بازنشسته‌ها زیرنظر صندوق هستند دیگر ما مسوول این بخش نیستیم. این در حالی است که به گفته یکی از مسوولان کانون بازنشستگان صنعت فولاد کشور صندوق باید ماهیانه حدود ۴۲میلیارد تومان حقوق به بازنشسـتگان خود در کشور پرداخت کند که با پس کشیدن این سه شرکت، هم‌اکنون صندوق تنها توانسته ۷۵هزار تومان برای هر بازنشسته پرداخت کند. عسگری بازنشسته‌ای که به عنوان یکی از نمایندگان این بازنشسـته‌ها با دو اتوبوس از اصفهان روانه تهران شده بود به «شرق» می‌گوید: در دیدار با نمایندگان کمیسیون اجتماعی مجلس در روز سه‌شنبه گذشته قول‌های بسیاری داده و مصوب شد که ۳۰۰میلیارد تومان برای مانده مستمری بازنشستگان تا آخر سال و عیدی و... اختصاص یابد ولی برای آینده صندوق هنوز فکر اساسی نشده است.

از سوی دیگر به گفته یکی از مسوولان کانون صندوق فولاد همه چیز در حالت ناپایدار به سر می‌برد و با وجود آنکه مجلس این بودجه را مصوب کرد تا مشـکل این افراد موقتا حل شود و تا عید بی‌حقوق نمانند، دولت فعلا با این مصوبه مخالفت کرده و اعلام کرده که چنین بودجه‌ای ندارد. به هر حال تا این لحظه (جمعه) که این گزارش داده می‌شود هنوز توافقی قطعی برای رسیدگی به اعتراضات این بازنشسته‌ها رخ نداده است ولی تلاش مسوولان کانون‌های بازنشستگی بر این است که این بازنشسته‌ها را زیر مجموعه تامین اجتماعی اعلام کنند.

مساله به اصفهان ختم نمی‌شود

مساله مهم اینجاست که این مشکل تنها به بازنشسته‌های ذوب‌آهن منتهی نمی‌شود و بازنشستگان شرکت‌های فولادی در کشـور که شـامل ۸۰هزار نفر و با احتساب خانواده‌هایشان ۵۰۰هزار نفر، همگی به نوعی با این مشـکل مواجه شده‌اند. از این تعداد بازنشسته نیز حدود ۴۰هزار نفر اصفهانی بوده که تنها ۱۳هزار نفر آن در شـهر اصفهان بازنشسته شده‌اند. به هرحال ظاهـرا همه راه‌ها به نمایندگان مجلـس و هیات‌دولت منتهی می‌شود و باید منتظر ماند و دید رایزنی‌ها در این زمینه به کجا ختم خواهد شد؟

آلودگی صوتی، زاگرس را تهدید می‌کند

محسن تیزهوش/ لرستان

زاگـرس نام سـرزمینی پهناور و زیباسـت که عظمت و چشـم‌اندازهای بسـیاری را در خود جای داده است. زاگرس بـا بیش از ۱۴۰۰ کیلومتـر طـول و ۵۰۰ کیلومتر عرض از اسـتان‌های شـمال غربی ایران تا نقاط جنوبی کشور را دربر گرفته و در میان پسـتی و بلندی‌های فراوانش اسـتان‌هایی همچون آذربایجان غربی، کردستان، ایلام، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، لرستان و فارس را در آغوش خود پناه داده است.

این در حالی اسـت که بر اسـاس آمار منتشرشـده از سوی مرکز آمار ایران جمعیت استان‌های زاگرس‌نشین از دهه ۱۳۳۰ تاکنون هفت برابر شـده و در مقابل برای رفع کمبودهای این ناحیه صنایع بسیاری احداث شده و وسایل نقلیه بی‌شماری جهت تسهیل حمل و نقل به کلانشهرهای زاگرس افزوده شـده اسـت. از سـوی دیگـر محیط‌های کوهستانی به جهت اقلیم خاص و شرایط متفاوت فرهنگی که نسـبت به سایر شـهرهای کشـور دارند باید از لحاظ استانداردهای زیسـت‌محیطی همواره در معرض پایش و دیده‌بانی قرار داشته باشند.

همان‌طـور کـه می‌دانیم امـروزه مشـکلات روحی و روانی چنان گسترده شده‌اند که حتی با بروز کوچک‌ترین مشکلی می‌توانیم خشونتی عمیق و خطرناک را در مقابل دیدگان‌مان احساس کنیم و این در حالی است که تمایل برای خودکشـی، قتل و خشـونت‌های خـارج از کنترل می‌تواند با بروز مشکلات زیست‌محیطی افزایش یافته و به چالشی جدی برای مردم و مسوولان مبدل شود. اگر امروز حساسیت‌های عصبی و خسـتگی‌های روحی و جسمی، آرامش و صبر و تحمل را از ما ربوده‌اند باید اندکی به سیطره فضای ماشینی که در شهرهایمان رخنه کرده است مظنون شـویم. یکی از دلایل وقوع چنین حوادث ناگواری افزایش افسارگسیخته «آلودگی‌های صوتی» است.

آلودگی صوتی یا همان صدای مزاحم معضلی است که با صنعتی شدن شهرها و افزایش بی‌رویه جمعیت ناخودآگاه به سراغ کلانشهرها و حتی شهرهای کوچک رفته و سبب بروز مشکلات ریز و درشتی شده است که اگر برای حل آنها راهکارهای مناسبی در دستور کار متولیان امر قرار نگیرد، بدون شـک ابعاد فاجعه‌آمیزی به خود خواهند گرفت که آسیب‌های روحی و روانی یکی از مهم‌ترین آنهاست. این در حالی است که در محیط‌های کوهستانی مشکل «آلودگی صوتـی» می‌تواند نتایج منفی بسـیاری را برای سـلامت روحی و روانی مردم منطقه به همراه داشته باشد. موضوع آلودگی صوتی معضلی است که در سال‌های اخیر به دلیل کم‌توجهی به آن سبب به وجود آمدن زوایای پنهانی شده است که هر روز بر عمق آن افزوده می‌شود.

آلودگـی صوتی بـه دلیل تاثیرات منفـی‌ای که روی سلامت جامعه برجا می‌گذارد یکی از بااهمیت‌ترین مواردی اسـت که متاسـفانه مورد سـهل‌انگاری مردم، رسانه‌ها و مسوولان قرار گرفته و به دیگر سخن، اگر نگاهی به اطراف خـود بیندازیم با فرکانس‌های مزاحمی روبه‌رو می‌شـویم که خارج از اسـتانداردهای لازم و به صورت چراغ خاموش روی سلامت روح و روان همگی ما تاثیرات منفی مستقیم و غیرمسـتقیمی را تحمیل کرده اسـت. آلودگی صوتی مشکلی است که به عقیده بسـیاری از کارشناسان حوزه محیط زیسـت حتی از آلودگی هوا نیز خطرناک‌تر بوده و می‌تواند در درازمدت سـبب بروز مشکلات حاد اجتماعی شود. ساده‌ترین و محسـوس‌ترین عوارضی که سر و صدا برای انسان به وجود می‌آورد از دست دادن قدرت شنوایی اسـت. بر اسـاس تحقیقات به‌عمل‌آمده اگر شدت صوتی با فرکانس هزار سـیکل در ثانیـه را در نظر بگیریم برابر با یک «دسـی‌بل» خواهد شد. در حقیقت «دسی‌بل» واحد اندازه‌گیری صوت به حساب آورده می‌شود.

این در حالی است که اگر انسانی تنها به مدت ۱۰ دقیقه مجبور به شنیدن صدایی با شدت صوتی صد دسی‌بل شود باید به مدت ۲۰ دقیقه در محیطی کاملا آرام قرار بگیرد تا اثر منفی صوت وارده از بین برود. این در حالی است که حد مجاز انتشار آلودگی صوتی در مناطق کوهستانی و براساس شرایط خاص اقلیمی و جغرافیایی در روز ۶۰ و در شب ۴۵ دسی‌بل تعریف شده است. براساس آنچه گفته شد لزوم کنترل و پایش صداهای نامطلوب و ناخواسته در محیط‌های کوهستانی امری ضروری و مهم تلقی می‌شود. در این بین پرسش قابل توجه این اسـت که در شهرهایی همچون خرم‌آباد، ایلام، سنندج، کرمانشـاه و... که هنوز هـم در اکثر نقاط بافت قدیمی خود را حفظ کرده‌اند و امروز میزبان جمعیتی نسـبتا بالا بوده و وسایل نقلیه فراوانی در آنها تردد می‌کنند و هنوز هم مشاغلی همچون مکانیکی‌ها، نجاری‌ها و... در آن مستقر هستند، آیا استانداردهای صوتی رعایت می‌شوند؟ و آیا نظارت اصولی و کارشناسانه روی آنها اعمال می‌شود؟

با نگاهی کوتـاه به وضعیت جغرافیایـی و توپوگرافی زاگـرس درخواهیم یافت که دو عامل طبیعی و اجتماعی در بروز آلودگی صوتی می‌توانند دخیل باشـند. همان‌طور که می‌دانید اکثر مراکز استان‌های زاگرس‌نشین به واسطه محصـور شـدن در ارتفاعات در برخی از نقاط شـهرهای خود دارای شـیب‌های نسـبتا تندی هسـتند که همین عامل می‌تواند در بروز آلودگی‌های صوتی موثر واقع شـود. خودروهایی را در نظر بگیرید که برای بالا رفتن از شیب‌های تند مجبور به استفاده از دنده سنگین می‌شوند و در مقابل خودروهایی که سرپایینی را با سرعت بیشتری طی می‌کنند، در هر دو حالت آلودگی صوتی به وجود خواهد آمد. در این بین کمبود سـرانه فضای سبز شهری نیز می‌تواند یکی از موثرترین عوامل عدم کنترل آلودگی‌های صوتی در شهری همچون خرم‌آباد (مرکز استان لرستان) باشد. این در حالی است که از لحاظ اجتماعی نیز حضور گسترده وسایل نقلیه موتـوری یکی از اصلی‌ترین منابع تولید آلودگی صوتی در استان‌های زاگرس‌نشین به حساب آورده می‌شود.

آنچـه در این بیـن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار اسـت برنامه‌ریزی صحیح و کاربردی برای کاهش و کنترل آلودگی صوتی موجود در زاگرس اسـت. در همین راسـتا افزایش کاشـت گونه‌هایی همچون کاج، اقاقیا و چنار می‌تواند در کاهش آلودگی‌های صوتی موثر باشـد. به هر روی تلاش برای بالا بردن سطح آگاهی‌های اجتماعی، رشد فرهنگی در مدیریت ترافیک، کاهش وسایل نقلیه به‌ویژه موتوسیکلت‌ها و تشـویق مردم به اسـتفاده از وسایلی همچون دوچرخه می‌تواند سـبب بازگشـت آرامش به شـهرها و استاندارد شدن صداهای منتشرشده شود. این رویایی است که تنها با همکاری متولیان سازمان محیط زیست، شهرداری‌ها و رسانه‌ها به حقیقت منجر خواهد شد!

نظرگاه

سدی که حیات را از قیصری می‌گیرد

هومان خاکپور/ چهارمحال وبختیاری

■ منطقه حفاظت‌شـده قیصـری با وسـعتی بالغ بر ۱۰ هزار هکتار به عنوان یکی از ذخیره‌گاه‌های زیسـتی جانـوری و گیاهی ارزشـمند کشـور در چهارمحال و بختیـاری، با تهدید نابـودی مهم‌ترین منبع تامین آب زیستمندانش روبه‌رو شده است.

قیصری در منطقه کوهرنگ و اردل از حوضه آبخیز کارون بزرگ واقع شـده که در سال ۱۳۸۰ به عنوان منطقه شـکارممنوع اعلام شـده و پنج سال بعد به منطقه حفاظت شده ارتقا پیدا کرد. منبع اصلی تامین آب این منطقه رودخانه شهریاری (آب کوهرنگ) است که با طول تقریبی ۱۵ کیلومتر، منطقه را به دو قسمت تقسیم می‌کند. وضعیت توپوگرافی و کوهستانی (ارتفاع هزارو ۸۰۰ متر تا سـه هزارو ۵۵۰ متر از سـطح دریا) منطقه، سـبب ایجاد میکروکلیماهای متعددی شده که تنوع زیسـتی گیاهی و جانوری ارزشـمندی را به ارمغان داشـته و گله‌هـای کل و بز، پرندگان و آبزیان زیادی را در خود جای داده است. منطقه حفاظت شده قیصری به دلیـل برخورداری از ظرفیت‌های کم‌نظیر طبیعـت گـردی، در راسـتای برنامه‌هـای واگذاری تصدی‌های مناطق تحت حفاظت سـازمان حفاظت محیط‌زیسـت بـه بخش‌خصوصـی، انتخـاب و در دستور کار محیط‌زیست اسـتان برای سرمایه‌گذاری بخش‌خصوصـی قرار دارد. به لحاظ شـرایط ویژه این منطقه که ناشـی از تعداد و تنوع زیستی جانوری آن است، هرگونه تغییر در حیات هیدرولوژیکی رودخانه کوهرنگ و ایجاد تنش آبی در منطقه، می‌تواند خطرات و تهدیدهای بیشتری را نسبت به سایر مناطق حاشیه این رودخانه، برای حیات وحش منطقه به دنبال داشته باشـد و سبب گذار حیات وحش از این منطقه تحت حفاظت شود. شـروع عملیات احداث سد در محل ورودی رودخانـه کوهرنـگ بـه «منطقه حفاظت شـده قیصری» برای ذخیره و هدایت آب به داخل تونل سـوم کوهرنگ جهت انتقـال بین حوضه‌ای آب از سرشـاخه‌های کارون بـه زاینده‌رود، وضعیت نگران‌کننده و تهدیدآمیزی را در این زیستگاه طبیعی ایجاد کرده و حیات زیستمندان جانوری منطقه را به شـدت تحت تاثیر قرار داده و در صورت عدم رعایت حقابـه طبیعی و آب مورد نیاز حیات هیدرولوژیکی این رودخانه، شـاهد خسـارت‌های غیرقابل جبران محیط زیستی در این زیستگاه ارزشمند خواهیم بود.

هـر چند که در این پـروژه عمرانی هم به مانند اکثـر پروژه‌هـای در دسـت اجرا، دسـتگاه اجرایی بـا کمترین مقاومتـی همچنان جلوتر از سـازمان حفاظت محیط‌زیست حرکت می‌کند و قبل از اخذ مجـوز ارزیابـی لازم، بی‌توجه به قوانیـن و مقررات زیست‌محیطی تجهیز کارگاه کرده و عملیات اجرایی احداث سد را آغاز کرده است، اما انتظار است سازمان حفاظت محیط‌زیسـت کشـور در اقدامی جامع بر بنیاد ملاحظات محیط‌زیسـتی، با اندوخته‌های آبی منطقه برخورد علمی داشته و با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های قانونی خود، قبل از صدور مجوز ارزیابی و اخذ تضمین‌هـای لازم برای رعایت حقابه طبیعی ایـن رودخانه حیاتی، هرگونـه فعالیت مکانیکی در منطقـه را متوقف کند تا برای چندمین بار شـاهد طبیعت ستیزی و عملی نشدن تعهدات سدسازان در دیاربختیاری نباشیم.

شـوربختانه در سـال‌های اخیر اتفاقات ناگوار و نگران‌کننده ناشی از عملی نشدن تعهدات مسوولان پروژه‌های سدسازی کارون سه و چهار را در منطقه شـاهد بوده‌ایـم که باوجـود پیگیری‌هـای متعدد مسـوولان و مردم منطقه، هنـوز اقدام قابل‌توجهی در راسـتای جبران خسارت در حوزه منابع طبیعی و محیط‌زیست از سـوی وزارت نیرو صورت نگرفته و بـه مطالبات عـادی مردم نیـز در زمینه تخریب زیرسـاخت‌های رفاهی و معیشتی، مثل قطع شدن جاده‌های دسترسی و دادن حقابه در روستای بارز از توابع لردگان با اجرای سد کارون سه، خشک شدن چشمه مروارید و عدم تملک زمین‌های مردم در اثر احداث تونل سوم کوهرنگ یا قطع شدن جاده قدیم خوزستان در آبگیری زود هنگام کارون چهار پاسخ داده نشده و نگرانی‌ها و مشکلات زیادی را برای مردم منطقه ایجاد کرده است.

خبر

صدور دستور قطع درختان در علی‌آبادکتول

■ بـرای تعریـض خیابانـی در علی‌آبادکتـول فرمانداری دستور قطع درختان آن خیابان را داده است و به شـهرداری تا پایان آذرماه مهلت داده تا درختان این خیابان را قطع و تیرهای چراغ برق آن را جا به جا کند. به گزارش سبزپرس، در شهرستان علی‌آبادکتول در استان گلستان، از حدود ۱۵ سال قبل قرار است خیابانی تعریض شود. در حال حاضر این خیابان عرضی ۱۸ متری دارد و در طرحی که برای تعریض آن تهیه شده، قرار است که به خیابان ۴۵ متری تبدیل شود. بخشی از این خیابان به طور کامل تعریض شده است اما بخش دیگر آن‌که این درختـان نیز در آن قـرار دارند هنوز به طور کامل تعریض نشده اسـت. شنیده‌ها از اهالی شهرستان علی‌آبادکتول حاکی از آن است که اعضای شورای اسلامی این شهرستان با طرحی که شهرداری برای تعریض این خیابان ارایه کرده که با اجرایی شدن آن درختان خیابان قطع نمی‌شدند و به عرض خیابان نیز افزوده می‌شد، مخالفت کرده‌اند.